

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل

اللهه کولایی^۱، بهناز اسدی کیا^۲، سارا روا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۳

چکیده

روابط جمهوری آذربایجان به عنوان عضوی از سازمان کنفرانس اسلامی با دولت اسرائیل، بسیار سریع پس از استقلال این کشور ایجاد شد. در زمانی کوتاه، با وجود اعتراض‌ها و برخی موانع داخلی و منطقه‌ای؛ روابط سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی دو کشور گسترش یافت. در این نوشتار عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی که این دو کشور را به هم نزدیک ساخته و همکاری گسترده آنها را شکل داده، مطالعه شده است. روابط میان دو کشور با زمینه‌های متفاوت تاریخی، جغرافیایی، مذهبی مختلف، نمونه قابل توجهی از توسعه سیاسی-اقتصادی و تکنولوژیک را نشان می‌دهد. پرسش اصلی این است که اهداف، انگیزه‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی دو کشور که موجب ترغیب باکو و تل‌آویو به گسترش روابط به سطح موجود شده، چیست؟ با توجه به نبود سفارت جمهوری آذربایجان در تل‌آویو، موانع موجود در راه دو کشور برای رسیدن این روابط به سطح دیپلماتیک عادی بررسی می‌شود. روش مورد استفاده نویسندگان در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده است.

واژه‌های کلیدی: جمهوری آذربایجان، اسرائیل، قفقاز، ایران، همکاری نظامی، امنیت انرژی، برساخته‌گرایی

۱. استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران ekolaee@ut.ac.ir

۲. دانشجوی جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، ایران s_rava@alumni.ut.ac.ir

مقدمه

جمهوری آذربایجان، کشوری نفت‌خیز با جمعیتی بزرگ از شیعیان است که در همسایگی ایران و روسیه قرار گرفته است. این کشور پس از استقلال، مدل ساختار غیردینی ترکیه، نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای خود را برگزیده است. در سال‌های اخیر، ابعاد و عمق روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان بسیار گسترش یافته است. دو کشور در زمینه قومیت، دین، فرهنگ و سطح توسعه، اشتراکی با یکدیگر ندارند. جمهوری آذربایجان به‌عنوان عضو سازمان کنفرانس اسلامی متعهد شده است با دیگر کشورهای اسلامی برای آزادسازی و حفظ اماکن مقدس مسلمین کوشش و از مبارزه ملت فلسطین حمایت کند. همچنین، از تلاش آنان، تأمین حقوقشان و تشکیل کشور فلسطینی و آزادسازی خاک خود حمایت کند (www.oicun.org). گسترش رابطه سیاسی - نظامی این کشور با اسرائیل، به اشکال گوناگون مورد اعتراض ایران قرار گرفته است. با این حال، دو کشور با وجود تناقض‌ها، روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را ارتقا داده‌اند.

اسرائیل، جمهوری آذربایجان را در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ مورد شناسایی قرار داد. در سال ۱۹۹۳ اسرائیل سفارت خود در باکو را افتتاح کرد؛ ولی جمهوری آذربایجان هنوز در تل‌آویو سفارت ایجاد نکرده است. از هنگام برقراری روابط دیپلماتیک، دیدارهای بسیاری در سطح مقام‌های عالی‌رتبه دو کشور برگزار شده است. جمهوری آذربایجان به بزرگ‌ترین شریک تجاری اسرائیل در میان کشورهای تازه‌استقلال یافته تبدیل شده است. حجم تجارت ۵ میلیارد دلاری دو کشور تا سپتامبر ۲۰۱۵ حتی از حجم روابط تجاری اسرائیل - فرانسه نیز پیشی گرفت (Jewish Press, 2015). تلگرافی از سفارت امریکا در جمهوری آذربایجان توسط ویکی لیکس منتشر شد که نشان می‌دهد الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، روابط میان اسرائیل با کشورش را به کوه یخی تشبیه کرد که تنها بخش اندکی

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۳

از آن دیده می‌شود (Wiki L., 2009). اریه گوت^۱ یکی از مدیران ارشد برنامه ارتباط با جمهوری آذربایجان در این مورد گفت: آنچه در مطبوعات درباره روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل گفته می‌شود، تنها یک در صد از روابط را آشکار می‌کند و ۹۹ درصد باقی مانده، پوشیده مانده است (Jewish Press, 2015). پرسش نویسندگان این است: چه عواملی سبب همکاری گسترده سیاسی، اقتصادی و امنیتی جمهوری آذربایجان با اسرائیل شده است؟ فرضیه نویسندگان این است که الزام‌های سیاسی - امنیتی - نظامی سبب شده روابط دو کشور گسترش یابد. آنان می‌خواهند نشان دهند روابط دو کشور بر چه بنیادهایی استوار شده و چه الزام‌هایی این روابط را پیش می‌برد. همچنین، با توجه به واقعیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، چه موانعی در مسیر گسترش روابط این دو کشور وجود دارد.

اساس نظری

برساخته‌گرایی و مفاهیم بنیادی و فلسفی آن، از ترکیب رویکردهای دیگری تشکیل می‌شود، تا نارسایی‌ها و کاستی‌های نظریه‌های دیگر را با بهره‌گیری از برخی گزاره‌های خود آنها برطرف کند و تصویری واقعی‌تر از الگوهای رفتاری سیاست بین‌الملل به دست دهد (معینی علمداری و راسخی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). در واقع، برساخته‌گرایی مرکب از «برساختگی و واقعیت اجتماعی» است (عابدی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). یکی از مفاهیم بنیادی نظریه برساخته‌گرایی مفهوم «ساختار» است. از نظر الکساندر ونت، ساختار هر نظام اجتماعی سه عنصر دارد: شرایط مادی، منافع و انگاره‌ها. این عناصر با وجود ارتباط از یکدیگر جدا هستند و نقش‌های متفاوتی در تبیین دارند. اهمیت شرایط مادی تا حدی با منافع قوام پیدا می‌کند؛ اما یکی نیستند. از سوی دیگر، منافع هم تا حدی با

انگاره‌ها قوام می‌یابند؛ اما یکی نیستند. از این رو، باید هر یک به‌عنوان ساختاری جداگانه برآورد شوند، ساختار منافع^۱، ساختار مادی^۲ و ساختار معنایی (ذهنی^۳ یا تصویری^۴) (Wendt, 1999: 139).

همان‌گونه که بیان شد، یکی از عناصر ساختار اجتماعی، ساختار معنایی است که ناشی از انگاره‌های کنشگران است که با توجه به خود و دیگری و بر اساس نقش و انتظارهای متقابل کنشگران قوام می‌یابد. این "انگاره‌ها"^۵ و "تصورها"ی کنشگران به شکل‌گیری تصور "خود" و "دیگری" منجر می‌شود و به این ترتیب "هویت" را ساخت می‌دهد. هویت بر اثر فرایندهای اجتماعی تشکیل می‌شود و پس از متبلور شدن می‌ماند، تغییر می‌کند یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷: ۲۳۶). هر هویتی، تعریف اجتماعی کنشگر است و در نظریه‌هایی ریشه دارد که کنشگران به‌شکل دسته‌جمعی در مورد خود و دیگران دارند و به ساختار جهان اجتماعی قوام می‌بخشند (Wendt, 1992: 436-38).

بر پایه این نظام معنایی (که دربرگیرنده انگاره‌ها، تصورها و در نتیجه هویت‌های خاص) منافع قابل تعریف می‌شوند و هر کنشگر منافع خود را بر اساس نظام هویتی خود جست‌وجو می‌کند. پس هویت‌ها اساس منافع هستند. کارگزاران مجموعه منافی مستقل از بستر جامعه را ندارند که آنها را پیگیری کنند؛ بلکه در فرایندی از موقعیت‌های تدافعی به دفاع از منافع خود می‌پردازند. بر اساس هویت جمعی که مهم‌ترین نوع هویت در تحلیل روابط کنشگران بین‌المللی و به‌ویژه دولت‌هاست، چهار گروه منافع شکل می‌گیرد:

-
1. Interests Structure
 2. Material Structure
 3. Subjective
 4. Imaginary
 5. Ideas

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۵

الف) امنیت مالی (سرزمین و ساختار حکمرانی)؛

ب) امنیت هستی‌شناختی که موجد میل به هویت‌های اجتماعی باثبات است (یعنی کنشگران تمایل به حفظ هویت خود دارند)؛

ج) شناسایی به‌عنوان کنشگر از سوی دیگر کنشگران به‌شکلی ورای بقا از راه استفاده از زور عریان؛

د) توسعه به‌معنای تامین خواسته‌های انسانی برای زندگی بهتر است که دولت‌ها در سطح جمعی مسؤول آن شناخته می‌شوند (افضلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴).

کنشگران بر اساس نظام معنایی خود به ساختار مادی واقعیت می‌بخشند؛ درحالی‌که این ساختار مادی بدون ایده‌های کنشگران واقعیت و ارزش ندارد. بنابراین، ساختار مادی در ارتباط تنگاتنگ با ساختار معنایی (یعنی هویت و انگاره‌ها) و ساختار منافع قرار دارد (افضلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴). کنشگران خواه افراد یا دولت‌ها، ریشه مکانی و سرزمینی دارند و همواره در مکان و فضای خاصی در حال کنش هستند و در بستر همین سرزمین، مکان و فضای جغرافیایی ساختارها شکل می‌گیرند، دگرگون و بازتولید شده و حتی از نو بر ساخته می‌شوند. کشور به‌عنوان یک واحد جغرافیایی - سیاسی، فصل مشترک و مرکز ثقل و واحد مرجع مطالعات در جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل است (میرحیدر و حمیدی نیا، ۱۳۸۵: ۱۱).

هویت کنشگران در کانون نظریه برساخته‌گرایی قرار دارد. هویت عبارت از درک‌ها و انتظارات در مورد خود است که خاص نقش است. برخلاف جریان اصلی در روابط بین‌الملل که هویت کنشگران را در نظام بین‌الملل "ثابت" می‌پندارد، سازه‌نگاران روی برساخته‌بودن هویت کنشگران و نقش هویت در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها تأکید می‌کنند (دلوری، ۱۳۸۶: ۳-۴).

می‌نگرند و به آن واقعیت می‌بخشند. هر یک از کنشگران مورد بحث در این پژوهش با استفاده از مفهومی که از تهدید برساخته‌اند، تهدید را تعریف می‌کنند و بر اساس آن واکنش نشان می‌دهند.

پیشینه روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل

پس از استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱، شکل دادن به اصول بنیادین سیاست خارجی این کشور و یافتن متحدان قدرتمند سیاسی-اقتصادی، برای پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی آن اولویت یافت (Interview of Elmar Mammadyarov, 2015). تحقق این هدف با توجه به جنگ قره‌باغ کوهستانی با ارمنه و اعمال فشارهای روسیه بسیار حیاتی بود. این کشور ابتدا روابط خود را با ترکیه و ایران و سپس امریکا، به عنوان یک ابرقدرت که می‌توانست برای زدودن میراث کمونیستی-روسی به این کشور کمک کند، برقرار ساخت (Abilov, 2009: 149). رابطه با اسرائیل نیز در همین زمینه توسعه یافت. این سرزمین قرن‌ها محل سکونت گروه‌های مختلف یهودیان و از معدود مناطق در روسیه تزاری و سپس شوروی بود که یهودیان در آن همواره در فضایی صلح‌آمیز با همسایگان خود زندگی می‌کردند (Phil, 2008: 159).

در سال ۱۹۷۰ حدود ۴۰ هزار نفر یهودی در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کردند. با اینکه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بخش بزرگی از یهودیان به اسرائیل مهاجرت کردند، هنوز بیش از ۶ هزار نفر یهودی در این کشور زندگی می‌کنند (Jewish.data.bank, 2010). در مارس ۱۹۹۲ پروازهای مستقیم چارتر میان آذربایجان و اسرائیل به‌طور منظم برقرار شد. نخستین دیدار رسمی مقام‌های دو کشور در سپتامبر ۱۹۹۲ صورت گرفت (ارس، ۱۳۷۸: ۷۳). در سال ۱۹۹۷ بنیامین نتانیا‌هو، نخست وزیر اسرائیل، در سفر به باکو با حیدر علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان دیدار و گفتگو کرد. سپس در سال ۲۰۰۹،

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۷

شیمون پرز، رئیس جمهور وقت اسرائیل و سه تن از وزرای کابینه با ۵۰ نفر از صاحبان صنایع این کشور در باکو با الهام علی‌اف، رئیس جمهور جدید ملاقات کردند. در سال ۲۰۱۰ ایهود اولمرت، نخست وزیر و سپس وزیر خارجه اسرائیل، اوینگدور لیبرمن هم در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ از باکو دیدار و با مسؤولان بلندپایه جمهوری آذربایجان گفتگو کردند (Shaffer, 2013). در سال ۲۰۱۴ اهمیت روابط دو کشور در سفر موشه یالون، وزیر جنگ اسرائیل به باکو مشخص شد. این سفر به مناسبت برپایی نمایشگاه صنایع امنیتی انجام شد که نخستین سفر وزیر امنیتی اسرائیل به باکو نبود؛ اما اولین سفر علنی وی بود (امیراحمدیان، ۱۳۹۵). دیدار وزیر محیط زیست و منابع طبیعی در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، وزیر ارتباطات و تکنولوژی در سال ۲۰۰۳، وزیر حوادث غیرمترقبه و شرایط اضطراری و نیز وزیر حمل و نقل در سال ۲۰۰۷ هم قابل اشاره است. در سال ۲۰۱۳ وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان، المار محمدیاراف هم در رأس هیأتی عالی‌رتبه به تل‌آویو سفر کرد. اسرائیل در میان پنج شریک تجاری اصلی آذربایجان قرار گرفت و باکو به مهم‌ترین تأمین‌کننده نفت اسرائیل تبدیل شد که ۴۰ درصد از نفت مصرفی آن را تأمین می‌کند. یکی از شرکت‌های صنایع نفت جمهوری آذربایجان، در عملیات اکتشافی سواحل اسرائیل مشارکت دارد (Shaffer, 2013). در فوریه ۲۰۱۲ دو کشور یک قرارداد نظامی به ارزش ۱.۶ میلیارد دلار امضا کردند. همچنین، ارزش تجارت میان دو کشور به ۴ میلیارد دلار رسید.

اهداف، انگیزه‌های جمهوری آذربایجان در گسترش روابط با اسرائیل

سیاسی: بررسی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد اصول مشخصی هسته اصلی سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را شکل داده و دیگر اصول در امتداد آن قرار گرفته است. زمینه‌سازی برای حل منازعه قره‌باغ و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی،

اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور است. پس از آن می‌توان اصل تبدیل تهدیدهای منطقه‌ای به فرصت‌ها و شرکای استراتژیک را برشمرد (Azerbaijan.az). روابط جمهوری آذربایجان با روسیه و ایران و کوشش برای ارتقای روابط با اسرائیل و امریکا شواهدی از کاربرد این سیاست است. جمهوری آذربایجان همواره تهدید کرده است که اگر مذاکرات برای حل مسأله قره‌باغ به نتیجه نرسد، جنگ را به‌عنوان گزینه نهایی انتخاب خواهد کرد. روابط گسترده نظامی جمهوری آذربایجان با اسرائیل، بخشی از کوشش دولت برای ایجاد آمادگی نظامی برای چنین برخوردی است.

پیشینه این منازعه به دوره اتحاد شوروی باز می‌گردد. کمیسیون ترسیم خطوط مرزی میان جمهوری‌های شوروی تصمیم گرفت منطقه قره‌باغ که بیشتر جمعیت آن ارمنی بودند، به‌عنوان یک منطقه خودمختار در درون جمهوری آذربایجان قرار گیرد (Nichol, 2014: 19). در درگیری آذری‌ها و ارمنه به‌دلیل اعلام استقلال قره‌باغ، شمار زیادی کشته و حدود ۴۰۰ هزار نفر از دو طرف آواره شدند (Herzig, 1999: 66). با وجود کوشش‌های بین‌المللی برای حل بحران، هنوز یک راه‌حل نهایی مورد توافق دو دولت قرار نگرفته است. این منطقه که حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان را شامل می‌شود، در کنترل دولت ارمنستان است. در چنین شرایطی، اسرائیل برای جمهوری آذربایجان یک متحد حیاتی محسوب می‌شود. اسرائیل از جمهوری آذربایجان حمایت کرد و همراه با ترکیه تعدادی موشک استینگر را به نیروهای آذری رساند (Cagaptay & Murinson, 2005). در جریان دیدار شیمون پرز در سال ۲۰۰۹ و لیبرمن، وزیر خارجه اسرائیل در سال ۲۰۱۲ از باکو، هر دو مقام اسرائیلی تاکید کردند هرگونه راه‌حل سیاسی برای بحران قره‌باغ، باید حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان را دربرداشته باشد. پس از بازدید نتانیاهو از جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۷، همکاری‌های دفاعی جمهوری آذربایجان و اسرائیل

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۹

گسترش یافت. اسرائیل از آن هنگام نقش اساسی در نوسازی تجهیزات نظامی جمهوری آذربایجان ایفا کرده است (Cagaptay & Murinson, 2005).

ایران در سال ۱۹۹۲ با توجه به مرز مشترک و منافع سیاسی و امنیتی در منطقه با ارمنستان روابط دیپلماتیک برقرار کرد. به دلیل اهمیت موقعیت جغرافیایی آن در دسترسی به کشورهای اروپایی، ایران گسترش روابط خود با ارمنستان را دنبال کرده است. ارمنستان نیز به دلیل نداشتن انرژی و دسترسی نداشتن به آبهای آزاد و اختلاف‌های عمیق تاریخی-نژادی با دو همسایه خود در شرق و غرب؛ یعنی جمهوری آذربایجان و ترکیه به سوی ایران کشیده شد (Moniquet & Racimora, 2013: 5). جمهوری آذربایجان گسترش روابط ایران با ارمنستان را هم‌پیمانی با دشمن خود می‌داند و با نزدیکی به اسرائیل می‌کوشد متحد قدرتمندی برای خود بیابد. از سوی دیگر، می‌خواهد ایران را مجبور سازد در سیاست‌های خود در برابر آن تجدیدنظر کند (De Wall, 2010: 130).

البته، گسترش روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان را نباید تنها به احساس تهدید مشترک از سوی ایران مربوط کرد. جمهوری آذربایجان به‌عنوان کشوری در حیات خلوت روسیه، کوشش کرده در روابط خود با روسیه تعادل ایجاد کند. باکو در پی رهایی از وابستگی روسیه است. آنها می‌دانند بدون حمایت و کمک مسکو به ایروان، ارمنستان قادر نیست تسلط خود را بر قره‌باغ حفظ کند. رهبران این کشور پایگاه‌های نظامی روسیه در ارمنستان را، مانعی اساسی برای مقابله با این کشور می‌دانند. به‌همین دلیل، باکو رابطه با غرب و به‌ویژه اسرائیل را برای تامین اهداف سیاست خارجی خود ضروری می‌داند. امریکا و متحدان آن نیز در پی مهار روسیه و جلوگیری از احیای نفوذ آن در کشورهای پیشین شوروی بوده‌اند. قفقاز به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک و منابع انرژی آن برای امریکا و اروپا اهمیت استراتژیک دارد (Mercouris, 2016).

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جمهوری آذربایجان، وابستگی آن به خطوط انتقال انرژی است که از خاک روسیه می‌گذرد. نزدیکی به امریکا می‌تواند در رابطه آن با روسیه تعادل ایجاد کند. همچنین، با توجه به نیاز متحدان امریکا در غرب و نیز اسراییل به منابع انرژی حوزه خزر، امکان ایجاد و توسعه خطوط ارتباطی جدیدی را برای آن فراهم کرد. ذخایر انرژی دریای خزر و مسیرهای انتقال نفت و گاز، اهمیت جمهوری آذربایجان را برای امریکا بیشتر کرد. این کشور می‌توانست با استفاده از چتر امنیتی امریکا، خطر تسلط مجدد روسیه را کاهش داده، از فرصت سرمایه‌گذاری آن در بخش انرژی نیز برای پیشرفت اقتصادی خود بهره‌مند شود (Cohen, 2012: 28-29).

اگرچه برای جمهوری آذربایجان رابطه با ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما در میان آنها اختلاف‌هایی هم ایجاد شد. در سال ۲۰۰۹ ترکیه آیین "به صفر رساندن مشکلات با همسایگان" را به‌عنوان دستورالعمل سیاست خارجی خویش برگزید و بر پایه آن تغییر در سیاست خود در برابر ارمنستان را آغاز کرد (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۵۵). تلاش برای عادی‌سازی روابط دو کشور نشان داد در جنگ احتمالی در قره‌باغ، باکو نمی‌تواند به حمایت نظامی و سیاسی آنکارا تکیه و اعتماد کند. این در شرایطی بود که ارمنستان به‌عنوان عضوی از پیمان امنیت دسته‌جمعی^۱، تضمین‌های امنیتی لازم را از روسیه دریافت می‌کند. جمهوری آذربایجان، تلاش ترکیه برای بهبود روابط با ارمنستان و امضای تفاهم‌نامه گسترش روابط دو کشور در سال ۲۰۰۹ را، بدون آنکه تغییری در منطقه اشغالی قره‌باغ رخ داده باشد، نوعی خیانت محسوب کرد (De Waal, 2010: 130).

ایالات متحده در روابط جمهوری آذربایجان و اسراییل نقشی اساسی داشته است. در دهه ۱۹۹۰ مقام‌های امریکایی معتقد بودند حمایت محور جمهوری آذربایجان، اسراییل، ترکیه و گرجستان از ایالات متحده، می‌تواند به‌عنوان وزنه‌ای در برابر محور ایران، سوریه،

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / 11

ارمنستان و روسیه عمل کند (Cornell, 2011: 374). اگرچه بحران در روابط ترکیه و اسرائیل و جنگ گرجستان در تابستان ۲۰۰۸ این محور را تضعیف کرد؛ اما اسرائیل و جمهوری آذربایجان رابطه خود را برای تضعیف محور ایران - روسیه ادامه می‌دهند. از آنجا که شش کشور پیشین شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز مسلمان نشین هستند، با توجه به نبود رابطه میان بیشتر کشورهای عرب و مسلمان با اسرائیل، برقراری رابطه حسنه با این دولت‌ها و ترغیب آنان به شناسایی اسرائیل، اولویتی اساسی در سیاست‌های ایالات متحده است.

نظامی و امنیتی: صادرات اصلی جمهوری آذربایجان به اسرائیل نفت و گاز است. واردات این کشور از اسرائیل فناوری‌های پزشکی، فنی و کشاورزی است. از همه مهم‌تر وعده‌ای است که وزیر امور خارجه اسرائیل به آذربایجان داده است؛ یعنی تعادل در وزن لابی آذری-ارمنی در آمریکا و بهبود روابط آمریکا و این کشور. اسرائیل می‌تواند به جمهوری آذربایجان در جهت متقاعد کردن آمریکا برای جلوگیری از کمک به ارامنه در مناقشه قره‌باغ کمک کند. پیش از این نیز رئیس جمهور پیشین جمهوری آذربایجان، حیدر علی‌اف در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ از نخست وزیر اسرائیل تقاضای کمک کرده بود (Bülent, 1998: 20). درک تهدید و برساخته شدن آن توسط کنشگران دو طرف، سبب شد همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی میان دو کشور گسترش یابد و سلاح‌های گوناگون اسرائیلی به جمهوری آذربایجان ارسال شود. شرکت‌های اسرائیلی نظارت و محافظت اطراف فرودگاه باکو را بر عهده دارند (Bourtman, 2006: 50).

صنایع مربوط به تکنولوژی هوا-فضای اسرائیل مورد توجه شدید این کشور بوده است. همچنین، اسرائیل اعلام کرده تکنولوژی لازم را برای گسترش و نوسازی صنایع نظامی جمهوری آذربایجان در اختیار آن قرار داده است. برای جمهوری آذربایجان که در بحران قره‌باغ بیش از ۲۰ سال تلاش نافرجام برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خود

داشته، متنوع سازی مقاصد خرید و نیز تنوع و کارایی تجهیزات نظامی اهمیت بسیاری دارد. در شرایطی که بیشتر کشورهای اروپایی فروش تجهیزات نظامی به جمهوری آذربایجان و ارمنستان را به دلیل بحران قره‌باغ متوقف کرده‌اند، اسرائیل شریکی است که هم تجهیزات دفاع هوایی جدید و هواپیماهای بدون سرنشین پیشرفته دارد و هم علاقه‌مند به فروش این تجهیزات به جمهوری آذربایجان است. در پی بازدید شیمون پترز از جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۹، مبادلات نظامی دو کشور افزایشی محسوس یافت. حجم و ابعاد خریدهای نظامی جمهوری آذربایجان از اسرائیل، نگرانی‌های عمیقی در مورد ایجاد انگیزه در جمهوری آذربایجان برای انجام یک تحرک نظامی خشونت بار علیه ارمنستان برای باز پس‌گیری قره‌باغ ایجاد کرده است (Lindenstrauss, 2015: 71).

جمهوری آذربایجان از خریداران اصلی تولیدات نظامی اسرائیل است. بخش بزرگی از آموزش‌های نیروهای ویژه ارتش جمهوری آذربایجان، محافظان مقام‌های ارشد و نیز ایجاد سیستم امنیتی فرودگاه باکو توسط شرکت‌های اسرائیلی انجام می‌شود (Murinson, 2014: 22-24). در سال ۲۰۱۲ خریدهای نظامی جمهوری آذربایجان از اسرائیل به ۱/۶ میلیارد دلار و تا سال ۲۰۱۵ حجم این معاملات به بیش از ۴ میلیارد دلار رسید (Opall, Rome, 2014). همان‌گونه که اشاره شد، کنشگران از افراد و دولت‌ها ریشه مکانی و سرزمینی دارند و همواره در مکان و فضای خاصی در حال کنش هستند. در بستر همین سرزمین، مکان و فضای جغرافیایی است که ساختارها شکل می‌گیرند، دگرگون و بازتولید و حتی از نو بر ساخته می‌شوند. کشور به عنوان یک واحد جغرافیایی - سیاسی، فصل مشترک و مرکز ثقل و واحد مرجع مطالعات در جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل است (میرحیدر و حمیدی نیا، ۱۳۸۵: ۱۱). از این‌رو مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان از زمان استقلال این کشور، حفظ استقلال و پاسداری از تمامیت ارضی کشور بوده است (Akyıldız, 2014). یکی از انگیزه‌های اساسی و انتظاراتی

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۱۳

جمهوری آذربایجان در گسترش روابط با اسرائیل، بهره‌گیری از نفوذ لابی یهودی در امریکا است. حیدر علی‌اف در جریان سفر به نیویورک در سال ۱۹۹۷، در دیدار با نمایندگان سازمان‌های یهودیان آمریکا برای مقابله با فعالیت‌های لابی ارمنی از آنها کمک خواست (Khalifa Zadeh, 2013: 61). باکو کوشیده است از یک سو آمریکا را تشویق کند نقش قدرت تعادل‌بخش را در منطقه‌ای که روسیه و ایران در آن نفوذ زیادی دارند، ایفا کند و از سوی دیگر، می‌خواهد نفوذ لابی ارمنی-آمریکایی را محدود سازد و متحدانی قدرتمند برای حمایت از موضع خود در مورد قره‌باغ بیابد (Abilov, 2009: 154).

اقتصادی: بازارهای اول صادرات جمهوری آذربایجان به ترتیب اولویت: ایتالیا، آلمان، اندونزی، اسرائیل و فرانسه، و واردات آن از کشورهای ترکیه، روسیه، انگلستان، آلمان و چین است. صادرات جمهوری آذربایجان به اسرائیل در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ترتیب ۱۲۶۰۶۹۹ و ۱۷۶۶۹۵۰ میلیون دلار بوده است. واردات این کشور از اسرائیل در همان سال‌ها از ۱۷۶۹۳ به ۲۳۹۵۹ افزایش یافت. اسرائیل برای بهبود اقتصاد ضعیف باکو، توسعه روابط تجاری را وعده داد (Bourtman, 2006: 48). یکی از نمونه‌های قدرت تاثیر لابی ارمنی در آمریکا، تصویب قانون "حمایت از آزادی و تجارت آزاد در کشورهای نواستقلال" علیه باکو بود که در اکتبر ۱۹۹۲ به امضای رئیس جمهور ایالات متحده رسید (Congress.gov). بر اساس این قانون دولت ایالات متحده متعهد شد کمک‌های مالی و فنی برای جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی فراهم کند. جمهوری آذربایجان با حمایت اسرائیل و لابی یهودی موفق شد دولت آمریکا را متقاعد سازد در محدودیت‌های ایجاد شده تجدیدنظر کرده، آنها را لغو کند (Abilov, 2009: 154). در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ نیز لابی نزدیک به اسرائیل در واشنگتن، فعالانه برای پیشبرد اهداف و منافع جمهوری آذربایجان در زمینه سرمایه‌گذاری و حمایت از ساخت خطوط جدید انتقال انرژی در این کشور و حل سریع‌تر بحران قره‌باغ با مقام‌های آمریکایی وارد رایزنی شدند (Ismayilov,

(70: 2013). باکو انتظار دارد نزدیکی به اسرائیل، امکان توسعه بیشتر روابط با واشنگتن را فراهم آورد.

در بخش روابط اقتصادی، مسأله انرژی مهم‌ترین عنصر تاثیرگذار در رابطه جمهوری آذربایجان و اسرائیل است. پس از استقلال جمهوری آذربایجان، اسرائیل واردات نفت از این کشور را آغاز کرد. در سال ۲۰۰۲ اسرائیل به دومین خریدار نفت این کشور پس از ایتالیا تبدیل شد. با ایجاد خط لوله باکو-تفلیس - جیحان در سال ۲۰۰۵، مبادله نفت میان دو کشور افزایش یافت. در همین هنگام، اسرائیل علاقه خود را برای گسترش خط لوله تا حاشیه دریای سرخ اعلام کرد تا نفت جمهوری آذربایجان را به هند، ژاپن و کره جنوبی از مسیر خاک خود صادر کند (Eshman, 2007). ایده رهبران باکو برای پیوستن استان‌های آذری‌نشین ایران به این کشور و تشکیل آذربایجان بزرگ، واکنش و اعتراض شدید ایران را در پی داشته است. اگرچه در هنگام درگیری‌های قره‌باغ کوهستانی، دولت ایران برای میانجیگری تلاش‌هایی کرد؛ اما نزدیکی ایران به ارمنستان موجب رنجش این کشور شد.

تلاش ایران برای تاثیرگذاری بر اکثریت شیعه در جمهوری آذربایجان و اجرای احکام اسلامی در این کشور، حضور اقلیت یهودیان در جمهوری آذربایجان، همجواری این کشور با ایران و همچنین، منابع غنی نفت و گاز جمهوری آذربایجان، سبب شده است که اسرائیل توجه ویژه‌ای به این کشور داشته باشد (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۲). دولت علی‌اف با نگرانی، عملکرد حزب عدالت و توسعه را برای فاصله گرفتن از میراث غیردینی آتاتورک دنبال می‌کند. پس از امضای توافقنامه ترکیه و ارمنستان، جمهوری آذربایجان بودجه دفاعی خود را افزایش داد (Koolae and Goodarzi, 2015: 52). از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱، هزینه‌های نظامی جمهوری آذربایجان از ۱ میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار (۳.۹۵ از تولید ناخالص داخلی) به ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار (۶.۲ تولید ناخالص داخلی) افزایش یافت. در سال ۲۰۱۱، بودجه دفاعی آذربایجان را به ۸.۹ از تولید ناخالص داخلی رساند

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۱۵

(Az.News, February 22, 2011). هزینه‌های نظامی جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۳ به رقم ۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار رسید (Az.News, 2011). افزایش بودجه نظامی این کشور از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۴، ۴۹۳ درصد رشد نشان می‌دهد (Asia Defense News, 2014). بیشتر خریدهای نظامی باکو از اسرائیل بوده است.

اهداف و انگیزه‌های اسرائیل در گسترش روابط با جمهوری آذربایجان

سیاسی: رابطه اسرائیل با جمهوری آذربایجان می‌تواند بخشی از تلاش این کشور برای شکستن انزوای این کشور در جهان اسلام برآورد شود. یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی این کشور، گسترش روابط با کشورهای مسلمان غیرعرب است تا با یافتن متحدان مسلمان جدید، چهره ضداسلامی و مشروعیت خود را بهبود بخشد. به همین دلیل، یافتن متحدان جدید از میان کشورهای مسلمان، از جمله اهداف استراتژیک اسرائیل شده است (Bourtman, 2006: 53). در دهه ۱۹۵۰ بن‌گوریون استراتژی جستجوی متحدان غیرعرب، شامل ایران، ترکیه و اتیوپی را اعلام کرد. این استراتژی که به "اتحاد پیرامونی" یا "آیین پیرامونی"^۱ معروف شد، اساس سیاست خارجی اسرائیل در منطقه خاورمیانه و حاشیه آن را شکل داد (Robins, 1994, 66). پس از انقلاب اسلامی، ایران به یکی از دشمنان اصلی اسرائیل تبدیل و استراتژی اتحاد پیرامونی با شکست روبه‌رو شد. فروپاشی اتحاد شوروی این فرصت را در اختیار اسرائیل قرار داد تا در میان کشورهای بازمانده از فروپاشی آن، متحدان جدیدی جست‌وجو کند (Aras, 1998: 68). اسرائیل می‌کوشد با ایجاد رابطه با کشورهای مسلمان غیرعرب و با کشورهای اسلامی، اثبات کند میان اسرائیل با جهان اسلام و میان یهودیان با مسلمانان مناقشه دایمی وجود ندارد.

1. Alliance of the periphery or the Periphery doctrine

حمایت قاطع از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ و پشتیبانی تسلیحاتی این کشور، در هنگامی که باکو به این حمایت سیاسی و نظامی نیاز داشت، برنامه‌ریزی اسرائیل برای بهره‌برداری از این شرایط را نشان می‌دهد. الیزر یوتوات^۱ نخستین سفیر اسرائیل در جمهوری آذربایجان در همین زمینه اظهار داشت که در دوره ماموریت خود در باکو موفق شد روابط دو کشور را از صفر به بالاترین سطح برساند (BSWB, 1996). پس از تیره شدن روابط اسرائیل و ترکیه، لیبرمن، وزیر امور خارجه اسرائیل مایل بود جمهوری آذربایجان نقش میانجی را در میان اسرائیل و اعراب ایفا کند (Az.News: 2012)؛ نقشی که پیش از آن انتظار می‌رفت ترکیه ایفا کند.

ایجاد و گسترش رابطه با جمهوری آذربایجان، فرصت حضور مستقیم در مرزهای ایران را به اسرائیل داد. جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین تهدید برای امنیت این کشور است. اسرائیل استراتژی دیپلماسی فعال برای محاصره ایران را دنبال کرده است (Khalifa Zadeh, 2013: 63). نتانیاهاو در دیدار سال ۱۹۹۷ از باکو ادعا کرد محور اسرائیل، ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ایستادگی در برابر بنیادگرایی اسلامی تشکیل شده است که ایران از مروجان آن است. وزیر بهداشت اسرائیل، افریم سن^۲ روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان را بر پایه منافع استراتژیک متقابل خواند، که به آنها امکان مقابله با بنیادگرایی اسلامی را می‌دهد که ایران آن را گسترش می‌دهد (BSWS, 1995). در سال ۲۰۱۱ اسرائیل فروش پهبادهای پیشرفته به جمهوری آذربایجان را آغاز کرد. ایران بارها نسبت به فعالیت‌های مشترک جاسوسی و خرابکاری‌های عوامل موساد، با استفاده از خاک جمهوری آذربایجان علیه ایران هشدار داده است. در مارس ۲۰۱۲ مجله فارین پالسی ادعا کرد

1. Eliezer Yotvat
2. Efraim Sene

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۱۷

جمهوری آذربایجان اجازه استفاده از شماری از پایگاه‌های خود را برای حمله به ایران به اسرائیل داده است (Perry, 2012)؛ ادعایی که از سوی هر دو کشور رد شد.

انرژی: عامل دیگری که به یکی از انگیزه‌های اساسی اسرائیل برای ایجاد و گسترش روابط با جمهوری آذربایجان تبدیل شده، منابع انرژی این کشور است. اسرائیل منابع نفتی اندکی دارد و به واردات نفت وابسته است. برای اسرائیل امنیت منابع انرژی مورد نیاز یک چالش اقتصادی و امنیتی است. امنیت دسترسی به منابع انرژی، به معنای توانایی یک کشور برای دسترسی مداوم به منابع امن و کافی انرژی، از اولویت‌های همه کشورهای جهان است (Koolae, 1990: 63-89). ذخایر انرژی چشمگیر و موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان، که راهروی شرقی- غربی برای انتقال منابع انرژی دریای خزر و آسیای مرکزی است، یکی از انگیزه‌های اساسی اسرائیل برای ایجاد و گسترش روابط با آن است.

از هنگام تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸، دسترسی به منابع نفت و گاز از موضوع‌های چالش‌انگیز برای این کشور بوده است؛ زیرا اصلی‌ترین تولیدکنندگان نفت منطقه، کشورهای عربی بودند که موجودیت این کشور را به رسمیت نمی‌شناختند. به همین دلیل، منطقه خزر برای اسرائیل و اروپا، هنگامی که سطح تولید در دریای شمال کاهش یافت، اهمیت اساسی یافت. اگرچه مصر، آفریقای غربی و مکزیک، مهم‌ترین صادرکنندگان نفت به اسرائیل بوده‌اند، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اسرائیل اولویت‌های خرید منابع انرژی خود را تغییر داده است. رخدادهای موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و به دنبال آن تحولات مصر، سبب شد اسرائیل مهم‌ترین منبع تامین انرژی خود را از دست بدهد. از آن هنگام جمهوری آذربایجان به قابل‌اعتمادترین تامین‌کننده نفت اسرائیل تبدیل شده است. اینک اسرائیل بیشتر انرژی مورد نیاز خود را از جمهوری‌های پیشین شوروی تامین می‌کند. مهم‌ترین این کشورها عبارتند از: روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان که آخرین کشور، بیشترین میزان صادرات انرژی به اسرائیل را به خود اختصاص داده است. از

سال ۲۰۰۹ که خط لوله باکو-تفلیس-جیحان به بالاترین ظرفیت انتقال نفت رسید، سهم جمهوری آذربایجان نیز در بازار نفت اسرائیل بسیار افزایش یافت. در سال ۲۰۱۱ جمهوری آذربایجان ۱۸.۵ میلیون بشکه نفت به ارزش ۲.۵ میلیارد دلار به اسرائیل صادر کرد (Khalifa Zadeh, 2013: 64).

در سال ۲۰۱۲ باکو یک سوم نفت مورد نیاز اسرائیل را تامین کرد و در سال ۲۰۱۴ به مهم‌ترین تامین‌کننده نفت اسرائیل تبدیل شد. اسرائیل می‌تواند از پروژه‌های انتقال نفت و گاز دریای خزر و آسیای مرکزی برای رساندن نفت و گاز به بازارهای غربی بهره‌مند شود (Cohen & DeCorla-Souza: 2011). این مسیرها به اسرائیل اجازه می‌دهد انرژی مورد نیاز خود را از مسیرهای متنوع‌تر و با بهای مناسب‌تری فراهم سازد. همچنین، اسرائیل این فرصت را می‌یابد تا از تجارب شرکت‌های نفتی جمهوری آذربایجان در حفاری و استخراج نفت و گاز در ساحل و عمق آب بهره‌مند شود. در چارچوب این همکاری علمی-تکنولوژیک، شرکت حفاری جمهوری آذربایجان^۱ که از شرکت‌های تابعه شرکت نفت دولتی^۲ این کشور است، ۵ درصد از سهام تنها میدان نفتی اسرائیل، مید اشدود^۳ را به دست آورد. باکو در حال تبدیل شدن به بزرگترین پیمانکار عملیات حفاری نفت و گاز در آبهای مدیترانه‌ای اسرائیل است (Ismayilov, 2013: 72).

نیازهای انرژی و ملاحظات استراتژیک، ضرورت ایجاد رابطه‌ای مستحکم و پایدار با جمهوری آذربایجان را برای آمریکا، اروپا و اسرائیل فراهم ساخت. به این ترتیب، مسیرهای انتقال منابع انرژی منطقه خزر و آسیای مرکزی با حمایت‌های مالی و تکنولوژیک غرب و نیز اسرائیل گسترش یافته است. این خطوط از یک سو تضمینی برای حفظ گرایش‌های غرب‌گرایانه جمهوری آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی هستند. از سوی

1. Caspian Drilling Company (CDC)
2. Oil Company of Azerbaijan (SOCAR)
3. Med Ashdod

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / 19

دیگر، به تنوع و منابع دسترسی انرژی، که به صورت ویژه مورد توجه و نیاز جدی اسرائیل در خاورمیانه است، می‌انجامد. یک دیپلمات اسرائیلی در همین زمینه می‌گوید: زمانی که ما درباره جمهوری آذربایجان صحبت می‌کنیم، در مورد نفت صحبت می‌کنیم. انرژی یک عنصر اساسی در این خصوص است (Murinson: 2008). هنگامی که لابی آرامنه در کنگره آمریکا با کمک‌های آمریکا به جمهوری آذربایجان و نیز ایجاد خط لوله باکو-تفلیس-جیحان مخالفت می‌کردند، لابی یهودیان آمریکا، به پشتیبانی از دولت جمهوری آذربایجان و ساختن خط لوله پرداخت (Murinson: 2008). بخش اصلی نفت مصرفی اسرائیل به‌طور مستقیم توسط جمهوری آذربایجان تامین و از مسیر خط لوله باکو-تفلیس-جیحان به اسرائیل منتقل می‌شود. پس از اکتشاف گاز در سواحل مدیترانه‌ای اسرائیل، رافیل هارپز¹، سفیر این کشور در باکو اظهار داشت که اسرائیل علاقه‌مند به بهره‌مندی از تجربه‌های آذری‌ها در بخش انرژی است (Murinson: 2014: 17).

موانع گسترش روابط دو کشور

ایران: از مهم‌ترین موانع گسترش روابط دوجانبه این واقعیت است که جمهوری آذربایجان همسایگانی دارد که نسبت به گسترش روابط این کشور با اسرائیل نگاه منفی دارند. برای نمونه، ایران پیوسته به گسترش روابط سیاسی، به‌ویژه نظامی-امنیتی دو کشور اعتراض کرده است. با وجود تیرگی گاه و بی‌گاه روابط ایران و جمهوری آذربایجان، این کشور به رویارویی مستقیم با ایران تمایل ندارد. در بحران هسته‌ای ایران، باکو بارها تاکید کرد اجازه نخواهد داد از خاک آن برای حمله به ایران استفاده شود. جمهوری آذربایجان نگران بود که در صورت حمله به ایران یا هرگونه برخورد نظامی میان ایران و غرب، نخستین کشوری باشد که به دلیل روابط گسترده نظامی و امنیتی‌اش با اسرائیل و غرب مورد حمله ایران قرار

1. Rafael Harpaz

گیرد (Lindenstrauss, 2015: 71). پس از رسانه‌ای شدن امضای قرارداد نظامی ۱/۶ میلیارد دلاری اسرائیل و جمهوری آذربایجان، سفیر باکو در تهران به وزارت خارجه فراخوانده شد و مراتب نگرانی از گسترش روابط نظامی دو کشور مطرح شد. چند هفته پس از امضای قرارداد یادشده، به همین دلیل وزیر دفاع جمهوری آذربایجان، صفر ابی‌اف به ایران سفر کرد تا مقام‌های ایرانی را مطمئن سازد که از خاک این کشور هرگز برای حمله به ایران استفاده نخواهد شد. او تلاش کرد ایران را قانع سازد هدف از خریدهای تسلیحاتی، ارتقای توان نظامی کشورش در صورت برخورد نظامی احتمالی با ارمنستان است. این واقعیت که جمهوری آذربایجان برای دسترسی به نخجوان- جمهوری جدا از خاک اصلی این کشور- نیازمند استفاده از خاک ایران است، حفظ رابطه‌ای به نسبت عادی با ایران را، برای این کشور با اهمیت می‌سازد.

ترکیه: این کشور بلافاصله پس از استقلال، ترکیه را به‌عنوان مهم‌ترین شریک استراتژیک خود انتخاب کرد. رابطه نزدیک باکو-آنکارا در موفقیت سیاست نزدیکی اسرائیل به جمهوری آذربایجان تاثیرگذار بوده است (Murinson, 2014: 9). اگر چه در سال‌های اولیه استقلال این کشور، محور باکو- آنکارا- تل‌آویو مورد توجه قرار گرفت؛ اما با تغییرهای سیاسی در ترکیه، دولت آنکارا که نزدیک‌ترین و مهم‌ترین متحد باکو به شمار می‌رود، از ابعاد و عمق روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل آشکارا ناخرسندی خود را بیان می‌کند (arannews.com). به دنبال تنش در روابط ترکیه و اسرائیل و سپس حادثه کشتی ماوی مرمره در مه ۲۰۱۰، ترکیه تلاش کرد جمهوری آذربایجان را متقاعد سازد روابط خود با اسرائیل را کاهش دهد؛ حتی گفته شده در سپتامبر ۲۰۱۱ سفیر ترکیه در باکو، اسرائیل را به اختلال در صدور نفت به این کشور، از مسیر خط لوله باکو-تفلیس-جیحان تهدید کرد (Murinson, 2012: 184).

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۲۱

تیرگی روابط آنکارا - تل آویو اهمیت این روابط را برای اسرائیل افزایش داده است. یک تحلیلگر اسرائیلی ادعا کرد لیبرمن وزیر خارجه اسرائیل در جریان سفر به باکو در سال ۲۰۱۲ اهمیت جمهوری آذربایجان برای اسرائیل را بیش از اهمیت فرانسه خواند (Murinson, 2014: 9). البته، جمهوری آذربایجان می‌کوشد با سیاست خارجی متوازن، فشار ترکیه برای تجدیدنظر در روابط با اسرائیل را کاهش دهد؛ اما از آنجا که ترکیه و جمهوری آذربایجان همواره بر شعار "یک ملت، دو کشور" به‌عنوان نشانه اهمیت روابط خود تاکید کرده‌اند، برای باکو آسان نیست که نسبت به خواست ترکیه در مورد اسرائیل بی‌توجه باشد.

روسیه: عامل دیگری که در توسعه روابط اسرائیل - جمهوری آذربایجان مانع ایجاد می‌کند، این است که با وجود تمایل شدید این کشور برای گسترش بیشتر رابطه با غرب - و نیز اسرائیل - نگرانی این کشور از واکنش روسیه است؛ به‌ویژه که حمله تابستان ۲۰۰۸ روسیه به گرجستان، نشانه روشنی از سیاست سلطه‌گرایی جدید روسیه در قفقاز برآورد شد. این جنگ برای متحدان منطقه‌ای غرب مشخص کرد که غرب؛ به‌ویژه امریکا، قفقاز را به‌عنوان حیات خلوت روسیه شناسایی کرده است؛ بنابراین، نمی‌خواهند در بحران‌های این منطقه در برابر روسیه بایستند. رابطه نزدیک روسیه و ارمنستان و مناقشه قره‌باغ عواملی هستند که در روابط این کشور با غرب و نیز اسرائیل محدودیت ایجاد می‌کنند. روسیه گاه اسرائیل را برای نفروختن برخی سلاح‌های پیشرفته به جمهوری آذربایجان زیر فشار گذاشته است (Murinson, 2014: 9).

جامعه مسلمانان: مسأله دیگری که بر گسترش و ثبات روابط دو کشور تاثیر منفی داشته، این است که در صورت گسترش فزاینده و آشکار رابطه با اسرائیل، باکو در برابر فشار مسلمانان قرار می‌گیرد. با وجود روابط گسترده جمهوری آذربایجان و اسرائیل و با اینکه از گشایش سفارت اسرائیل در باکو بیش از ۲۰ سال می‌گذرد، هنوز سفارت یا دفتر

نماینده‌گی این کشور در تل‌آویو باز نشده است و امور مربوط به روابط دو کشور توسط دفتر نمایندگی هواپیمایی جمهوری آذربایجان در تل‌آویو اداره می‌شود. این نگرانی در باکو وجود دارد که در صورت افتتاح سفارت این کشور در اسرائیل، نه‌تنها با خشم ایران و دیگر کشورهای اسلامی روبه‌رو شود؛ بلکه حمایت کشورهای اسلامی را هم در مناقشه قره‌باغ در مجامع بین‌المللی و به‌ویژه سازمان ملل از دست بدهد؛ حمایتی که برای افکار عمومی جمهوری آذربایجان و نیز دولت این کشور بسیار اهمیت دارد.

اعضای سازمان همکاری کشورهای اسلامی، همواره از موضع جمهوری آذربایجان در این مناقشه حمایت کرده‌اند. به‌همین دلیل، با وجود روابط گسترده دو کشور، باکو از سیاست اسرائیل در موضوع فلسطین حمایت نکرده است. باکو از ایجاد کشور مستقل فلسطینی با مرکزیت بیت‌المقدس شرقی به‌طور رسمی حمایت کرده است. در سازمان ملل نیز این کشور به قطعنامه پذیرش دولت خودگردان رای مثبت داد و از سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در اراضی اشغالی ۱۹۶۷ انتقاد کرد. در جریان جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶، جمهوری آذربایجان یکی از ۸ کشور مسلمانی بود که به اسرائیل اولتیماتوم داد تا از شدت حملات خود به لبنان بکاهد. اسرائیل هم در برابر آن، در مارس ۲۰۰۸ در جریان تصویب قطعنامه شماره ۲۴۳/۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل که نیروهای ارمنی باید بلافاصله مناطق اشغال شده جمهوری آذربایجان را تخلیه کنند، از رای دادن به سود این کشور خودداری کرد. در جنگ ۵۰ روزه غزه، دولت باکو زیر فشار و اعتراض شدید مردم، ناچار شد عملیات نظامی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را محکوم کند. در این دوره جوانان بیش از همه، خواستار قطع صدور نفت به اسرائیل بودند (Bloomberg Business, 2014). در جریان تظاهرات ۲۵ ژوئیه در اعتراض به کشتار غیرنظامیان فلسطینی در برابر سفارت اسرائیل در باکو، معترضان شعارهای "مرگ بر اسرائیل" سردادند.

نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم بنیادی در رهیافت برساخت‌گرایی مفهوم "ساختار" است. از نظر ونت ساختار هر نظام اجتماعی سه عنصر دارد: شرایط مادی، منافع و انگاره‌ها. این عناصر با وجود ارتباط، از یکدیگر جدا هستند و نقش‌های متفاوتی دارند. شرایط مادی در این رهیافت، همان سرزمین است که هر کشوری برای شناسایی دو فاکتور باید داشته باشد. حفظ این سرزمین از مهم‌ترین مسایل است. همه ساختارهای سیاسی برای بقای خود پیوسته در پی حفظ سرزمین خود هستند. جمهوری آذربایجان نیز از این قاعده مستثنا نیست. این کشور پس از استقلال، سیاست خارجی خود را بر اساس حفظ یکپارچگی‌اش بنیاد نهاد. انگاره یا تصور چیزی است که توسط کنشگر برساخته می‌شود و می‌تواند آن را معنا کند. تهدید یکی از مفاهیمی است که به بیان ونت برساخته می‌شود و جمهوری آذربایجان و اسرائیل این را بارها بیان کرده‌اند. برداشت تهدید از سوی ایران و روسیه همواره در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان تاثیرگذار بوده‌است.

بنابراین، مجموعه‌ای از ضعف‌ها، نیازها و الزام‌های داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سبب شده جمهوری آذربایجان و اسرائیل به‌عنوان گزینه‌های جدی برای یکدیگر مطرح شوند. شرایط ویژه و ظرفیت‌های دو کشور در جهت تامین منافع اساسی یکدیگر، به شکل‌گیری رابطه‌ای گسترده و چندجانبه منجر شده است. از مسیر رابطه راهبردی جمهوری آذربایجان و اسرائیل در دو دهه گذشته، جمهوری آذربایجان توانسته یک متحد قدرتمند سیاسی، اقتصادی و نظامی بیابد تا تهدیدهای سیاسی - امنیتی - نظامی از سوی همسایگان و نیز درگیری ارضی‌اش تا حد قابل توجهی کاهش یابد. باکو با ایجاد رابطه‌ای مستحکم با اسرائیل، خود را زیر چتر امنیتی امریکا قرار داد و از راه حمایت تل‌آویو و لابی یهودیان در امریکا توانست با گسترش خطوط انتقال انرژی و روابط اقتصادی گسترده

با غرب، با استفاده از فرصت به‌دست آمده به بازسازی اقتصادی خود پردازد. همچنین وابستگی خود را به روسیه کاهش دهد.

برای اسرائیل نیز اگرچه اقلیت یهودی ساکن این جمهوری و انگیزه حضور در مرزهای شمالی ایران از مهم‌ترین دلایل تحکیم این روابط به‌شمار می‌رفت؛ اما دسترسی به منابع انرژی حوزه خزر و نیز متنوع سازی مسیرهای دسترسی به انرژی، برای اجرای "آیین اتحاد پیرامونی" از مهم‌ترین انگیزه‌ها و الزام‌های گسترش این روابط به‌شمار می‌آید. رابطه این دو کشور تنها به سبب نیاز متقابل دو کشور به یکدیگر قابل تحلیل نیست. این رابطه برای هر دو کشور راهی برای کاهش تهدیدهای خارجی، اطمینان از امنیت منطقه‌ای و ارتقای جایگاه بین‌المللی نیز هست. با این حال، حفظ و گسترش این رابطه از سوی مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای و تضادهای ایدئولوژیک تهدید می‌شود که کنترل آن برای اسرائیل و جمهوری آذربایجان آسان نبوده است. به همین دلیل، دورنمای گسترش روابط و یا دست‌کم آشکارسازی ابعاد آن در شرایط کنونی روشن به‌نظر نمی‌رسد.

منابع

ارس بولنت. (۱۳۷۸). استرژئی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی. مترجم:

حمید احمدی، مطالعات خاورمیانه، زمستان ۱۳۷۸، ش ۲۰، صص ۶۳-۸۸.

میراحمدیان، بهرام. (۱۳۹۵). آذربایجان مقصر است یا ارمنستان؟، ۱۷ فروردین،

<http://www.khabaronline.ir/detail/524015/World/central-asia-caucuses> (تاریخ

دسترسی در ۱۳۹۵/۰۷/۱۸)

برگر، پیتر و توماس لوکمان. (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه: فریبرز مجیدی،

تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

میرحیدر، دره و حسین حمیدی‌نیا. (۱۳۸۵). مقایسه جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل از

نظر روش‌شناسی و مفاهیم، مجله ژئوپلیتیک، سال دوم، ش ۱، بهار، صص ۱-۴۱.

دلآوری، رضا. (۱۳۸۶). نظریه سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل، تاریخ نگارش ۱۳۸۶/۸/۷،

نقل شده در: www.Delawari46.blagfa.com

عابدی اردکانی، محمد؛ روح‌اله نادری بنی؛ محسن شفیعی سیف‌آبادی. (۱۳۹۰). تحلیلی

سازه‌نگارانه از رفتار دولت‌های بزرگ با ایران در دوره رضاشاه، فصلنامه دانش

سیاسی، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۴۵-۱۷۶.

کولایی، الهه و مهناز گودرزی. (۱۳۹۴). تأثیر تحولات روابط ارمنستان و ترکیه بر روابط

ارمنستان و ایران، ژئوپلیتیک، ش ۳۷، صص ۳۸-۷۰.

معینی علمداری، عبدالله راسخی. (۱۳۸۶). روش‌شناسی برساخت‌گرایی در حوزه روابط

بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۴، صص ۱۸۳-۲۱۴.

مراد بایار، مستشار وزارت دفاع ترکیه که به باکو سفر کرده بود، به دلیل احداث کارخانه

ساخت هواپیماهای جاسوسی با همکاری اسرائیل قبل از به اتمام رساندن ماموریتش

به ترکیه بازگشت، تاریخ نگارش ۱۳۹۰/۱۱/۹، نقل شده در:

http://fa.arannews.com/mobile/?m_t=news&Type=News&id=32583

(تاریخ دسترسی در ۱۳۹۵/۰۷/۱۷)

- Akyıldız Selma (2014), *Azerbaijan–Israel Relations: Strategic Partnership or Furtive Intimacy?*
<http://thelondonpost.net/2014/04/azerbaijan-israel-relations-strategic-partnership-or-furtive-intimacy/> (Accessed on: 2016/09/30)
- Abilov, Shamkhal. (2009). The Azerbaijan-Israel Relations: A Non-Diplomatic, but Strategic Partnership, OAKA, Vol.4, No.8, pp: 138-156.
- Aras, Bülent. (1998). Post-Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia, *Middle East Policy*. Vol. 5, No. 4, pp. 68-81.
- Asia Defense News*, April 19, 2014:
<http://www.asiandefencenews.com/2014/04/azerbaijansmilitary-spending-surged.html>(Accessed on: 2015/05/21)
- Az. News. April 23, 2012, <http://en.trend.az/news/politics/2017969.html>, (Accessed on: 2015/05/21)
- Az. News. February 22, 2011, <http://news.az/articles/politics/31785>, (Accessed on: 2015/05/21)
- Az. News. October 12, 2011, <http://news.az/articles/46508>, (Accessed on: 2015/04/18)
- Bourtman, Ilya. (2006) Israel and Azerbaijan's Furtive Embrace, *Middle East Quarterly*, Vol. 13, No. 3, pp. 47-57.
- BSWB (BBC Summary of World Broadcast) August 31, 1995, SU/2396, p. F/7
- BSWS (BBC Summary of world Broadcast), August 24, 1996, SU/ 2699, p. F/6
- Bülent Aras, "Post-Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia," *Middle East Policy*, Jan. 1998, p. 68-9.
- Bourtman Ilya (2006), Israel and Azerbaijan's Furtive Embrace, *Middle East Quarterly*, summer 2006, pp. 47-57.
- Bülent Aras, "Post-Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia," *Middle East Policy*, Jan. 1998, p. 68-9.
- Bloomberg Business: <http://www.bloomberg.com/news/articles/2014-09-28/israel-s-top-oil-supplier-endures-gaza-as-azeri-ties-grow>, (Accessed on: 2016/05/19).
- Cagaptay, Soner & Murinson, Alexander (2005) Good Relations between Azerbaijan and Israel: A Model for Other Muslim States in Eurasia? *The Washington Institute for Near East Policy*, March 30.
(<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/good-relations-betweenazerbaijan-and-israel-a-model-for-other-muslim-state>)
- Cohen, Ariel & DeCorla-Souza, Kevin (2011) Eurasian Energy and Israel's Choices, *Mideast Security and Policy Studies*, No. 88 (February)

- Cohen, Ariel (2012) Azerbaijan and US Interests in the South Caucasus Twenty Years after Independence”, *Caucasus International*, Vol. 2, No. 1, pp: 67-82.
- Cornell, Savante. E. (2011) *Azerbaijan since Independence*, London: M. E. Sharpe.
- D. Phil (2008), Azerbaijani-Jewish Relation: Realpolitik Embedded in History, *The Caucasus & Globalization*, Vol. 2, No. 2, pp. 157-168.
- De Waal, Thomas. (2010) *The Caucasus: An Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Guseinov Rashad (2016), The Main Development Trends in Bilateral Relations Between Azerbaijan and Israel:
http://www.ca-c.org/c-g/2008/journal_eng/c-g-1/04.shtml(Accessed on: 2016/09/09)
- Herzig, Edmund (1999), *The New Caucasus: Armenia, Azerbaijan and Georgia*, London: Royal Institute for International Affairs.
- Eshman, Rob (2007). But what about Azerbaijan? *Jewish Journal*, Available from:
http://www.jewishjournal.com/opinion/article/but_what_about_azerbaijan_20070223 (Accessed on: 2015.25.14)
- Jewish Press*: <http://www.jewishpress.com/indepth/analysis/azerbaijan-israel-a-covert-but-strategic-relationship/2015/09/17/>
- Interview of Elmar Mammadyarov (2015), Foreign Minister of the Republic of Azerbaijan, *IRS-HERITAGE*, No.20, pp.14-21.
- Ismayilov, Elnur. (2013). Israel and Azerbaijan: The Evolution of a Strategic Partnership, *Israel Journal of foreign Affairs*, Vol. 7, No. 1, pp: 69-76.
- Jewish.data.bank, World Jewish Population, 2010, --
http://www.org/Reports/World_Jewish_Population_2010.pdf.
- Khalifa-zadeh, Mahir (2013). Israeli-Azerbaijani Alliance and Iran, *Middle East Review of International Affairs*, Vol. 17, No. 1, pp: 56-70.
- Koolae, Elaheh, “Iran’s Role and Energy Security in the Region and the World”, *Economic and International Research Quarterly*, Vol. 4, No. , Fall 2010, pp. 63-89
- Koolae, Elaheh and Mahnaz Goodarzi (2015), The Effect of Normalization of Armenia-Turkey Relations on Armenia-Iran Relations, *Geopolitics*, No. 1, pp. 38-70.
- Israel Signs Deal to Provide Azerbaijan with \$1.6 bln in Military Equipment, Source:<http://defence.pk/threads/israel-signs-deal-to-provide-azerbaijan-with-1-6-bln-in-military-equipment.161661/page-2#ixzz4MWYRq2Ok> (Accessed on: 2016/09/08).

- Lindenstrauss, Gallia. (2015). Israel-Azerbaijan: Despite the Constraints, a Special Relationship, *Strategic Assessment*, Vol. 17, No. 4, pp. 69-79.
- Mercouris Alexander (2016), The Summit Meeting in Baku Suggests a Mending of Relations between Azerbaijan and Iran and Russia and a further Consolidation of Integration Processes in Central Asia and in Southern Eurasia, August 9: <http://theduran.com/summit-baku-russia-iran-azerbaijan-new-axis/> (Access on, 2016/09/09).
- Moniquet Claude and William Racimora (2013), *The Armenia-Iran Relationship (strategic implication for security in the south Caucasus region)*, European Strategic Intelligence & security center.
- Murinson, Alexander. (2008). Azerbaijan Turkey Israel Relation: The Energy Factor, *MERIA Journal*, Vol. 12 No. 3, pp: 70-86.
- Murinson, Alexander. (2012). Opportunities and Challenges in Israeli-Azerbaijani Relations, *Caucasus International*, No. 2, No.3, pp. 155-173.
- Murinson, Alexander. (2014). The Ties between Israel and Azerbaijan, *Mideast Security and Policy Studies* No. 110 (October).
- Nichol Jim (2014), *Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Developments and Implications for U.S. Interests*, Congressional Research Service.
- Opall-Rome, Barbara. (2014). Israel Bolsters Strategic Ties with Azerbaijan, *Defense News*, September 10. <http://archive.defensenews.com/article/20140910/DEFREG04/309100036/Israel-Bolsters-Strategic-Ties-Azerbaijan>
- Perry, Mark. (2012) Israel's Secret Staging Ground, *Journal of Foreign Policy*, March 28 <http://foreignpolicy.com/2012/03/28/israels-secret-staging-ground>.
- Robins Philips (1994), *The Middle East and Central Asia, The New Central Asia and Its Neighbours*, London: Royal Institue.
- Shaffer, Brenda, Azerbaijan's Cooperation with Israel Goes Beyond Iran Tensions, *Policy Watch 2067*, April 16, 2013, The Washington Institute for Near East Policy.
- WikiLeaks, <https://wikileaks.org/cable/2009/01/09BAKU20.html>.
- Charter of the Organization of Islamic Cooperation Charter of OIC*, <http://www.oicun.org/2/24/20140324031549266.html> (Access on: 2015.25.5)
- Azerbaijan.az, General Information on the Section "Azerbaijan in International Scene", http://www.azerbaijan.az/_WorldCommunity/_GeneralInfo/_generalInfo_e.html (Accessed on: 2015.25.14)
- Congress.gov, H.R.4526 - Commonwealth Scientists Immigration and Exchange Act of 1992, Available from:

عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل / ۲۹

<https://www.congress.gov/bill/102nd-congress/house-bill/4526/text>
(Accessed on: 2015.25.14).

Wendt, A. (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.

Wendt, A. (1992), Anarchy is What State Make of IT, The social Construction of Power Politics, *International Organization*, Vol. 46, No .2, pp. a391-425.

